

## واژه بست /e/ و کارکرد و محدودیت های آن در گویش کاخکی

شهلا شریفی

عضو هیئت علمی گروه زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

در این مقاله به بررسی کارکرد و محدودیت های واژه بست/e/ در گویش کاخکی که از جمله گویش های فارسی جنوب خراسان رضوی است می پردازیم. تا آنجا که نگارنده می داند وجود این واژه بست پیش از این، در دو گویش دیگر، یعنی خانیکی (لباف خانیکی ۱۳۸۱) و فردوسی (یا حقی ۱۳۸۱) نیز گزارش شده اند اما به نظر می رسد که کارکرد این واژه بست در گویش کاخکی کمی متفاوت از دو گویش نامبرده باشد. به ویژه به این دلیل که این واژه بست در گویش کاخکی علاوه بر ساخت متعدی در جملات دارای فعل ربطی نیز دیده می شود. در کارکرد اول این واژه بست یک ضمیر مفرد مفعولی شیئی است و در این کارکرد دوم به نظر می رسد بیشتر نقش تأکیدی داشته باشد.

کلید واژه: گویش کاخکی، واژه بست، ساخت ماضی متعدی، ارگتیو

## ۱. معرفی بخش کاخک:

کاخک /kâxk/ یکی از بخش های سه گانه شهرستان گناباد<sup>۱</sup> و در فاصله ۲۲ کیلومتری جنوب آن واقع شده است. رشته کوه سیاه که در جنوب کاخک کشیده شده آن را از شهرستان فردوس جدا کرده است. همین رشته کوه موجب اعتدال هوا و فراوانی آب در این بخش بوده است. کاخک گناباد در دوران صفویه از موقعیت ویژه ای برخوردار بوده است و به جهت وجود امام زاده سلطان محمد عابد، برادر امام رضا (ع)، مورد توجه سلاطین صفوی و محل هنرنمایی معماران و هنرمندان بوده است. زلزله ویرانگر کاخک در سال ۱۳۴۷ ش. بسیاری از آثار معماری کاخک را از میان برده است. جمعیت این بخش زبق سزشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ ش.، ۶۲۷۴ نفر بوده است. البته در حال حاضر تعداد زیادی از گیشران کاخکی زادگاه خود را ترک کرده و به شهرستانها، شهرها و یا کشورهای دیگر مهاجرت کرده اند و در عوض مهاجرانی از دیگر رستاها، بخش ها و شهرستانها در آن ساکن شده اند. بنابراین در حال حاضر ساکنانی در این بخش هستند که به گویشی غیر از کاخکی تکلم می کنند. همچنین متأسفانه گرایش به استفاده از فارسی معیار در مردمان این بخش نیز زیاد شده است و نسل جدید تمایل کمتری به تکلم به گویش کاخکی دارند و والدین با کودکان خود به فارسی معیار سخن می گویند و این نگرانی وجود دارد که با روند کنونی، گویش کاخکی به تدریج ابتدا به صورت ترکیبی (با دیگر گونه ها و گویش ها) ظاهر شود و سپس از میان برود.

## ۲. بحث و بررسی:

همواره به هنگام بحث در مورد تعامل دو سطح زبانی ساختواژه و نحو دو پدیده را به عنوان نمونه برجسته نام می برند. یکی از آنها واژه بست است. واژه بست نوعی تکواژ مقد اجباری است که به نظر می رسد بین وند و واژه باشد. واژه بست ها به دو دسته پیش واژه بست (proclitics) و پس واژه بست (enclitics) تقسیم می شوند. در واضح ترین حالت واژه بست صورت کوتاه شده واژه ای است که خود به طور مستقل هم وجود دارد. اما متأسفانه همواره اینطور نیست. یکی از چالش های پیش روی یک محقق ساختواژه این است که واژه بست را از وند متمایز کند؛ بویژه به این دلیل که هر دوی اینها تکواژ مقیدند. به این منظور معیارهایی ارائه شده است اما این معیارها همواره مجموعه مشابهی از تکواژ ها را به عنوان واژه بست مشخص نمی کند و در این مورد هم مانند بسیاری موارد دیگر در

---

۱. شهرستان گناباد در ۲۶۵ کیلومتری جنوب مشهد و در موقعیت ۵۸/۳۱ درجه طول شرقی و ۳۴/۲۱ درجه عرض شمالی قرار دارد. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۱۰۰ تا ۱۱۱۰ متر است. شهرستان گناباد دارای سه بخش، مرکزی، بجستان و کاخک و هفت دهستان و ۳۸۳ آبادی است که تنها ۲۱۵ آبادی آن دارای سکنه است.

ساختواژه که مرز پدیده ها چندان روشن نیست گاهی با مشکل مواجه می شویم. (بوئر ۹۹:۱۹۸۳). با در نظر گرفتن حقیقت فوق واژه بستهای موجود در گویش کاخکی، که همگی پس واژه بست هستند، را برمی شماریم سپس به بررسی واژه بست /e/ در این گویش می پردازیم:

-انواع واژه بست در گویش کاخکی

a نشانه نکره marda

e کسره اضافه

o به نشانه واو عطف

e ضمیر متصل مفعولی مفرد شیئی

ضمایر متصل فاعلی (شناسه های فعلی)

ضمایر متصل ملکی

ضمایر متصل مفعولی شخصی

از میان واژه بست های فوق الذکر ما در این مجال کوتاه تنها به بررسی واژه بست /e/ می پردازیم.

اما قبل از وارد شدن به بحث اصلی لازم است نکته ای را در مورد نظام حالت این گویش خاطر نشان کنیم. گویش کاخکی در زمان گذشته خود دارای نظام حالت ارکتیو یا ساخت ماضی متعدی است. مولائی (۱۳۸۱) در مورد وجود این ساخت در فارسی باستان و میانه و ویژگیهای آن چنین می گوید:

فعل ماضی متعدی که در حقیقت از لحاظ تاریخی ادامه تحول یافته همان ساخت مجهولی دوره باستان بود به کمک عامل و ماده ماضی ساخته می شد. ماده ماضی بدون آن که تغییری کند به صورتی واحد برای هر سه شخص و شمارهای مفرد و جمع به کار می رفت و شخص و شمار فعل نه از روی شناسه های افعال بلکه از روی فاعل منطقی مشخص می شد. مانند: man did (دیدم)

به نظر می آید این ساخت در برخی از گویش های امروز فارسی (گاهی با اندک تغییراتی) باقی مانده است. از جمله این گویش ها، گویش کاخکی است. وجود این ساخت در گویش کاخکی سبب شده که ضمایر متصل فاعلی (شناسه ها) تمایل داشته باشند که به عناصری غیر از فعل در جمله بچسبند. البته نظام مطابقه (مطابقت فاعل و فعل) در این گویش دارای ویژگیهای جالب دیگری نیز هست که بیان آن در این گفتار نمی گنجد (علاقمندان می توانند به مقاله مشترک این جانب و استاد ارجمندم دکتر رضا زمردیان به عنان "نظام مطابقه در گویش کاخکی که به زودی در مجله گویش شناسی به چاپ می رسد مراجعه کنند). این نکته کوتاه

تنها از این جهت در این جستار مطرح شد که ما در ادامه به ضمائر پیوسته و ناپیوسته مفعولی اشاره خواهیم کرد و ملاحظه خواهیم کرد که گاهی ضمائر پیوسته یا ناپیوسته مفعولی به ضمائر فاعلی (شناسه ها) در آغاز یا میان جمله می چسبند. در این قسمت با ارائه مثالهایی به بررسی کارکرد واژه بست /e/ در این گویش می پردازیم:

۱) A. qazoyet ra bexâ? B. bale bexârdom\_e

بله، خوردمش. (ب غذایت را خوردی؟) الف ۱

۲) A. xunaš če ke? B. befruxteš\_e

فروختش (ب خانه را چه کار کرد؟) الف ۲

۳) A. uret gom ke? B. vadiš mēkonom\_e

پیدایش می کنم. (ب آن را گم کردی؟) الف ۳

چنانکه ملاحظه می شود در مثالهای بالا واژه بست /e/ به آخر افعال متعدی اضافه شده و به واقع جانشین اسم یا گروه اسمی مفعولی یا ضمیر ناپیوسته مفعولی شده است. البته اسم یا ضمیر مورد نظر در همه جا اسم یا ضمیر شیئی مفرد بوده است. در مثال سوم فعل متعدی مرکب وجود دارد و مشاهده می شود که واژه بست /e/ به آخر آن اضافه شده است؛ بنابراین افعال مرکب متعدی از این نظر فرقی با افعال بسیط ندارند. طبیعتاً افعال موجود در جملات فوق برای اشخاص مختلف (اول شخص، دوم شخص و سوم شخص) و شمارهای مفرد و جمع صرف می شوند و در تمام صیغگان آنها این واژه بست دیده می شود. بعلاوه وجه، زمان و نمود فعل نیز تأثیری در ظهور متفاوت آن ندارد؛ به عبارت دیگر این واژه بست در وجوه مختلف (امری، اخباری، التزامی)، زمانهای مختلف (گذشته، حال، آینده) و نمودهای مختلف (ناقص و کامل) به افعال متعدی اضافه می شود. مثالهای زیر به روشن تر شدن مطلب فوق کمک می کنند:

ببرش bebar\_e وجه امری

می بَرَمش mēbarom\_e وجه اخباری

ببَرَدش bebarad\_e وجه التزامی

بُردیش bebordet\_e زمان گذشته

می بَرَنَدش mēbaran\_e زمان حال

خواهید بُرد bexa bord\_e زمان آینده

داشتیم می بُردیمش dâš(t)ma mēbord\_e نمود ناقص

بُرده بودیدش bebordeta bod e نمود کامل

حسنی (۱۳۷۷) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود که در مورد گویش کاخکی است به این واژه بست اشاره کرده و مثالهایی از آن را ارائه کرده است. در زیر مثالهای او را مطرح و به بررسی آنها می پردازیم:

(الف)

فروختندش be-frux-še-ne

برداشتیدش ver-dâš-te-ne

/ne/ در صرف افعال بالا به معنی "آن را" است.

(ب)

فروختش befruxt-e-še

بردش be-bord-e-te

برکندمش ver-kend-o-me

(حسنی، ۱۳۷۷: ۱۲۵)

حسنی مثالهای فوق را در قسمت ضمائر پیوسته مفعولی ارائه کرده است و بدین ترتیب تکواژی که زیرش خط کشیده شده، ظاهراً نشان دهنده ضمائر پیوسته مفعولی است، چنانکه بقیه مثالهایی که در این قسمت ارائه شده همین طور هستند. اما در مثالهای فوق چند اشکال دیده می شود:

اول این که در مثالهای قسمت الف تکواژی که زیرش خط کشیده شده، ضمیر پیوسته مفعولی نیست بلکه شناسه فعلی (ضمیر متصل فاعلی) است و در مثالهای قسمت ب هم تکواژیایی که زیرشان خط کشیده شده، متشکل از بخشی از شناسه فعلی و واژه بستی است که حسننی آن را با عنوان ضمیر مفعولی و با معنای "آن را" مشخص کرده، به عبارتی همان ضمیر مفعولی /ش/ در معادلهای فارسی مثالهای فوق است. بدین ترتیب باید گفت که حسننی تکواژهای مثالهای قسمت ب را به غلط تفکیک کرده است. شکل درست این تفکیک به صورت زیر است:

be-fruxt-eš-e

be-bord-et-e

var-kand-om-e

در این مثالها، تکواژ اولی که جدا شده پیشوند فعلی است که غالباً در صورت گذشته این افعال دیده می شود. قسمت دوم، ستاک گذشته افعال است. قسمت سوم که زیرش خط هم کشیده شده، شناسه فعلی (ضمیر متصل فاعلی) است که برای شخص و شمار صرف می شود و بالاخره قسمت آخر واژه بستی (e) است که حسنی آن را معادل ضمیر متصل مفعولی/ش/ دانسته است. بدین ترتیب تکواژهای آخر در تمام مثالهای قسمت الف و ب بیانگر یک چیز است و در واقع یکی است با این تفاوت که به علت این که مثالهای قسمت الف به مصوت ختم شده اند و التقای مصوتین در فارسی ممکن نیست، قبل از واژه بستِ /e/ صامت میانجی /n/ اضافه شده است. بدین ترتیب اشکال دوم مثالهای حسنی این است که واژه بست فوقالذکر را بدرستی تشخیص نداده و تفکیک نکرده است. جدا از مشکلات ذکر شده نگارنده با صورت واجی ارائه شده برای مثالهای فوق که بیانگر شیوه تلفظ این واژه ها در گویش کاخکی است موافق نیست. از نظر نگارنده در مثالهای فوق مصوت /ε/ وجود ندارد بلکه مصوت مورد نظر همان مصوت پیشین معمولی /a/ است که در فارسی معیار هم وجود دارد. البته در گویش کاخکی مصوت /ε/ وجود دارد اما در جای دیگری استفاده می شود.

دو نکته در مورد این واژه بست قابل ذکر است که توسط حسنی بیان نشده است:

۱. اول این که این واژه بست تنها برای صورت مفرد به کار می رود و معادل جمع "آنها" در این گویش با واژه بست مشابهی نشان داده نمی شود.
۲. دوم این که واژه بستِ /e/ علاوه بر ساخت متعدی در جملات دارای فعل ربطی نیز دیده می شود اما طبیعتاً کارکرد آن با آنچه در ساخت متعدی دارد متفاوت است. در اینجا با ارائه مثالهایی چگونگی کارکرد آن را در این نوع ساخت نشان می دهیم:

A) havâ garm bo yâ sard bo? B)Φ garm bode.

چنانکه ملاحظه می شد در قسمت (A) مثال فوق مسند الیه وجود دارد که همان (havâ) است. اما در قسمت (b) جایگاه مسند الیه خالی است. در نگاه اول به نظر می آید که واژه بست /e/ در ساخت اسنادی در صورت نبود مسند الیه ظاهر می شود و بواقع ضمیر جایگزین آن است. اما از آن جا که در پاسخ جمله (A) به کار بردن صورت (garm boΦ) نیز درست است و این بدین معنی است که وجود این واژه بست در انتهای فعل ربطی در ساخت اسنادی اختیاری است شاید بتوان گفت کارکرد این واژه بست در ساخت اسنادی بیشتر جنبه تأکیدی دارد.

این واژه بست غیر از گویش کاخکی در دو گویش دیگر هم گزارش شده است: یکی گویش خانیکی (که از گویش های اطراف کاخک است) و دیگری فردوسی که در شهرستان فردوس (۹۲ کیلومتری کاخک) بدان تکلم می شود. لباف خانیکی (۱۳۸۱) در مورد چگونگی ظهور و کاربرد این واژه بست در گویش خانیکی می گوید:

اگر فعل امر متعدی باشد یک مصوت "---" به آخر فعل اضافه می شود که در واقع اشاره به موضوع مورد امر است. از آنجا که در آخر فعل امر به خودی خود فتحه دارد برای اضافه کردن مصوت مذکور یک صامت به انتهای فعل امر افزوده تا محل قرار گرفتن مصوت "---" باشد: بگذار: bogzare:

اضافه شدن مصوت "---" تنها در فعل امر نیست. این مصوت را ممکن است در انتهای برخی دیگر از افعال نیز بیابیم. ویژگی جالب دیگر در گویش خانیک ادغام ضمیر مفعولی در فعل است. به این ترتیب که ضمیر "ان" یا "این" به صورت یک کسره در می آید و در آخر فعل می نشیند. در افعال جمع نونی مانند "نون" میانجی هم به آخر فعل اضافه می شود تا محل قرار گرفتن کسره باشد: آن را می خواهم: mademe:

آن چه خانیکی در افعال امر گزارش کرده متفاوت از ضمیر متصل مفعولی که از نظر او "با برخی دیگر از افعال" به کار می رود نیست. با توجه به توصیفات خانیکی می توان گفت که واژه بست /e/ در گویش مذکور با افعال متعدی در وجوه مختلف (امری، خبری التزامی) و زمانهای مختلف (گذشته، حال و آینده) به کار میرود.

یاحقی (۱۳۸۱) در مورد وجود این واژه بست در گویش فردوسی چنین گزارش می دهد: چگونگی صرف فعل و تغییر جای شناسه ها وجود جزء پیشین در بسیاری از افعال و تأثیر آن در ساختهای صرفی به یژه در ارتباط با جای قرار گرفتن مفعول از دیرینگی این گویش و تحول عناصر آن حکایت دارد. برای آن که نمونه ای از چگونگی صرف فعل و چگونگی قرار گرفتن شناسه ها و مفعول آن را بدست دهم، مصدر "بردن" را در دو زمان ماضی ساده و مضارع اخباری بی مفعول و با مفعول (اسم و ضمیر) صرف می کنم:

مضارع با مفعول:

می برم/می برم آن را	me-baro-me	مِبرِم
می بری/می بری آن را	me-bari-ye	مِبرِی
می برد/می بر آن را	me-bara-de	مِبرَد
می بردیم/می بریم آن را	me-bara-me	مِبرِم
می برید/می برید آن را	me-bara-ye	مِبرِی

می برند/ می برند آن را me-bara-ne مَبَرَن

یا حقی صورتهای ماضی ساده و آینده همین فعل را هم صرف می کند و در توضیح آنها می گوید:

توضیح آن که مصدر "بردن" که متعدی است در این گویش بدون مفعول صرف نمی شود و این تقریباً در مورد تمام افعال متعدی صدق می کند، مگر این که این افعال را بدون توجه به استعمال واقعی آنها فقط به منظر قالب ریزی صرف کنیم که در این صورت مثلاً آینده ساده "بردن" می شود:

بَخُم بو be-xom-bo خواهم برد

بَخِی بو be-xay-bo خواهی برد

اما در گویش کاخکی نمی توان مانند یا حقی این حکم کلی را داد که افعال متعدی همواره با واژه بست /e/ دیده می شوند. افعال متعدی در صورتی که قبلشان ضمیر ناپیوسته مفعولی نباشد (از هر نوع شخصی یا شیئی) و به شیء مفرد اشاره داشته باشند (به عنوان مفعول)، با این واژه بست می آیند، در غیر این صورت حامل هیچ واژه بست نیستند (در صورتی که فعل به زمان گذشته باشد، چنانکه قبلاً هم گفتیم، حتی شناسه فعلی یا ضمیر فاعلی نیز معمولاً با فعل نمی آید بلکه به یکی از عناصر قبل از فعل می پیوندد). در مثال زیر مفعول شیئی مفرد به صورت ضمیر ناپیوسته قبل از فعل آمده پس واژه بست /e/ به همراه فعل دیده نمی شود.

آن را خورد / صورت دارای واژه بست (bexârdeš-e) u-reš bexâ

یا حقی در مورد واژه بست های ضمیر شخصی مفعولی می گوید:

اگر مفعول مصدر "آوردن" ضمیر عاید به شخص باشد جای آن فرق می کند و در فعل مضارع پس از شناسه می آید (مَبَرَمَش) در ماضی قبل از شناسه (بَبَرَدِشُم) و در آینده پس از جزء پیشین قرار می گیرد (بِش خُم بو).

اما در گویش کاخکی غیر از واژه بست فوق الذکر که معادل ضمیر شیئی مفرد مفعولی است، هیچ ضمیر مفعولی پیوسته دیگری بعد از شناسه فعلی استفاده نمی شود. به طور کلی تمایل غالب گویشوران این گویش این است که ضمائر مفعولی را به صورت ناپیوسته قبل از فعل به کار ببرند. اما در مواردی هم که ضمائر شخصی به صورت پیوسته در جمله ظاهر می شوند، به عناصر دیگری غیر از فعل می چسبند یا در صورتی که در فعل ظاهر شوند به عناصر دیگر موجود در فعل مانند پیشوند که قبل از شناسه قرار دارند می چسبند. در ذیل با مثالهایی مطالب گفته شده را روشن تر می کنیم؛ به ویژه نمونه هایی از برخی از عناصری که محمول و میزبان ضمائر پیوسته مفعولی هستند، ارائه می نماییم:

( ۱ ) urom bebo var xuna او را به خانه بردم.



Kâška unarom nemadi کاشکی انها را نمی دیدم.

چنانکه ملاحظه می شد در مثالهای فوق ضمایر مفعولی به صورت ناپیوسته (زیر این ضمایر خط کشیده شده است) قبل از فعل ظاهر شده است. در هر دو مثال بعد از ضمیر ناپیوسته مفعولی ابتدا نشانه مفعول (را) و سپس ضمیر پیوسته فاعلی (شناسه) قرار گرفته است.

۲) vadim mekonad پیدایم می کند

beš bar بیرش

benaš bar نبرش

be xiyabušom bo به خیابان بردمش

در مثالهای بالا ضمیر مفعولی به صورت پیوسته ظاهر شده و به عناصر مختلف همچون بخش اسمی فعل مرکب (مثال اول)، بخش اسمی در گروه حرف اضافه ای (مثال چهارم) و یا پیشوند (مثال دوم) و نشانه نفی در آغاز فعل (مثال سوم) چسبیده است. قابل ذکر است که در مثال چهارم بعد از ضمیر پیوسته مفعولی /š/، ضمیر پیوسته فاعلی (شناسه) /om/ قرار گرفته است. بعلاوه ضمایر پیوسته ذکر شده در هر چهار مثال فوق به دلایل آوایی کوتاه شده اند. در مثال اول شناسه مفعولی در واقع /om/ است نه /m/. در مثال دوم هم ضمیر پیوسته مفعولی /eš/ است نه /š/ (دقت کنید که مصوت /e/ که قبل از /š/ در مثال دیده می شود متعلق به پیشوند فعلی /be/ است و به دلیل وجود همین مصوت، مصوت ضمیر پیوسته مفعولی حذف شده است). در مثال سوم نیز به دلیل وجود مصوت /a/ که متعلق به نشانه نفی /na/ بوده، مصوت آغازی ضمیر پیوسته مفعولی /eš/ حذف شده است. در مثال چهارم نیز همین امر مصداق دارد.

به نظر می رسد در میان عناصر فوق، بیشترین تمایل ضمایر پیوسته مفعولی به چسبیدن به جزء غیرهمکرد در فعل مرکب است.

نکته مهم دیگر این است که ضمایر پیوسته در گویش کاخکی به حرف اضافه نمی چسبند. به عبارت دیگر ضمایر مفعولی از نوع غیرمستقیم یا متممی به صورت پیوسته ظاهر نمی شوند. این نکته به خوبی می تواند تأیید کننده این نکته باشد که ظهور مفعولهای حرف اضافه ای که به صورت ضمیر پیوسته هستند در گفتار فارسی از تحولات متاخر فارسی است و سابقه طولانی ندارد. مثالهای زیر نمونه هایی از کاربرد مفعولهای حرف اضافه ای در گویش کاخکی هستند:

۳) az tām bad miya از تو بدم می آید.

Ketâbeš va mo dâ کتاب را به من داد.

mo xoy t̄a benemiyayom من با تو نمی آیم.  
mo ajžoš az unā qarz nemekonom من هرگز از انها قرض نمی کنم.

در مثالهای بالا زیر ضمائر ناپیوسته که نقش مفعول غیرمستقیم یا متممی دارند خط کشیده شده است. جالب است بدانیم این نکته (یعنی رایج نبودن استفاده از ضمائر پیوسته مفعول مستقیم و عدم استفاده از ضمائر پیوسته پس از حروف اضافه) به خوبی نشان دهنده اختلاط دو نظام حالت فاعلی و ارگتیو در گویش کاخکی است. چرا که کلباسی (۱۳۸۱) پس از بررسی ضمائر پیوسته ۳۰ لهجه و گویش ارگتیو و غیر ارگتیونتیجه می گیرد که: اولاً ضمائر شخصی پیوسته در بعضی از گویشهای غیرارگتیو مانند گیلکی و مازندرانی به کار نمی روند و به جای آنها ضمائر شخصی آزاد استفاده می شود.

ثانیاً ضمائر شخصی پیوسته در گویشهای ارگتیو علاوه بر نقشهای معمول خود که مفعولی (مستقیم و غیرمستقیم)، ملکی و قیدی است در نقش فاعلی هم به کار می روند و در این نقش بسیار فعالند.

چنانکه گفتیم ضمائر مفعولی در گویش کاخکی ترجیحاً به صورت پیوسته به کار نمی روند و بنابراین گویش کاخکی از این نظر شبیه زبانهای غیرارگتیو است اما از جهت دیگر شبیه زبانهای ارگتیو است چرا که ضمائر شخصی فاعلی در این گویش بسیار فعالند.

### نتیجه

در مجال اندک این مقاله به بررسی کارکرد و محدودیت های واژه بست /e/ در گویش کاخکی پرداختیم و گفتیم با این که این واژه بست در دو گویش دیگر گزارش شده است اما به نظر می رسد کارکرد و محدودیت های این واژه بست در گویش کاخکی با این دو گویش نظیرش یعنی خانیکی و فردوسی یکی نباشد. بویژه به این دلیل که این واژه بست در گویش کاخکی در جملات دارای فعل ربطی هم به کار می رود که طبیعتاً در این کارکرد این واژه بست را نباید با واژه بستی که ضمیرمفرد مفعولی شیئی است همسان دانست. در این کارکرد دوم، به نظر می رسد واژه بست /e/ بیشتر نقش تأکیدی داشته باشد. بعلاوه خوبست بدانیم این واژه بست تنها واژه بست مفعولی است که در کاربرد طبیعی زبان، پس از فعل ظاهر می شود. دیگر ضمائر پیوسته مفعولی به جای جایگاه پایانی فعل به عناصر قبل از فعل می چسبند یا به عناصر آغازی فعل مانند پیشوند و نشانه نفی اضافه می شوند.

## منابع و مأخذ

۱. حسنی، محمد حسین (۱۳۷۷). بررسی و توصیف گویش کاخک، پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار.
۲. کلباسی، ایران (۱۳۸۱). "نقش و جای شناسه فعلی و ضمیر پیوسته در گویشهای ایرانی، مجله زبان شناسی، س ۱۷، ش ۱، صص ۱۰۲-۷۷.
۳. لباف خانیکی، مجید (۱۳۸۱). "ساختمان فعل در گویش روستای خانیک"، مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی گویش شناسی ایران، به کوشش حسن رضائی باغ بیدی، تهران: نشر آثار. صص ۵۱۶-۴۹۹.
۴. مولائی، چنگیز (۱۳۸۱). "بقایای چند ساخت کهن دستوری در دستگاه فعل برخی از گویشهای ایرانی نو"، مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی گویش شناسی ایران، به کوشش حسن رضائی باغ بیدی، تهران: نشر آثار. صص ۵۸۶-۵۷۴.
۵. یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۱). "برخی از جنبه های زبانی و فرهنگی گویش فردوس"، مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی گویش شناسی ایران، به کوشش حسن رضائی باغ بیدی، تهران: نشر آثار. صص ۶۳۶-۶۱۳.